

سخن سردبیر

مروری اجمالی بر سه حوزه علمی «حسابداری» «حسابرسی» و «مالی»

دکتر پرویز سعیدی

استاد، گروه مالی و حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آبادکتول، ایران.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان بر افروخت (شیخ محمود شبستری)

ورود به بحث

چند روزی است که با توجه به تنوع زیاد مطالب و عناوین در پی آن بودم موضوعی را برگزینم و به عنوان مقدمه ای و یا سرآغازی برای مجله تحلیل بازار سرمایه به رشته تحریر در آورم. با تفکر در نهایت به این نتیجه رسیدم که این سه حوزه علمی را از جنبه های عام و نام آشنا که اندک در کلاس ها به آن پرداخته می شود را ارائه نمایم.

صحبت از سه حوزه علمی مختلف و نام آشنا به نام های «حسابداری»، «حسابرسی» و «مالی» است.

رابطه ی بین آنها رابطه ی سه علم مستقل است که بر یکدیگر تاثیر می گذارند و به یکدیگر کمک می کنند تا خود را ارتقاء دهند و از این مجرا خود را گسترش می دهند. در طول سال های مدید اقتصادی و مالی این سه مقوله بعنوان ابزارهای مهم و کارساز در بخش های بازرگانی، خدماتی و دولتی اقدامات مهم و اساسی انجام داده اند. در طول این سال های متمادی یکی آبخورد دیگری شده است و هر دو، جهت ارتقا و شفافیت مالی و گزارشگری از حسابرسی بهره ها برده اند.

سخن سردبیر

در طول دوران های اقتصادی این سه حوزه عجین و یار و مددکار حوزه اقتصاد بوده و فعالان این حوزه را با خود یدک کشیده است. تا جایی که می گویند حسابداری کار برای دیگران است نه برای خود؛ و مالی حرکت به سوی آینده و حسابرسی یار و مددکار نظارت و کنترل چه قبل از خرج و چه بعد از خرج و اظهار نظرهای فنی بوده و می باشند.

خود این سه حوزه ایشخور اختراع پول که یکی از کشفیات شگرف و بی نظیری است که بشر توانست مشکلات اندازه گیری مبادله کالاها و خدمات را بوسیله آن بر طرف سازد و دیگری هنر نوشتن است که خود کلمات را می سازد و به آنها معنی میدهد. به فرموده فوکلت (۱۹۷۷ ص ۱۸۹) نوشتن قدرتی را به وجود می آورد که عنصر اساسی جامعه قانون مدار است و از طریق آن دانش دست به دست شده و گسترش می یابد. فوکلت اصرار داشت که دانش افراد تنها از طریق مشاهده حاصل نمی شود، بلکه از طریق تمام امکانات نوشتاری که همراه آن است، به دست می آید (ص ۱۹۰). بنابراین دانش نوشتن، امکان نقش بالقوه ای در ظهور سطح بالاتر تمدن انسان دارد.

لیتلتون (۱۹۳۳) می نویسد که حسابداری هنر نوشتن و عنصر اساسی در فهم کارهای حسابداری است. در نتیجه اینکه علم حسابداری در نتیجه نوشتن بوجود آمد و گسترش یافت. اینیس (Innis) یکی از اولین محققانی بود که تحقیق خود را به روشی انجام داد که بر الگوهای فکری بشر تاثیر گذاشت. وی اظهار می دارد که:

هنر نوشتن به بشر حافظه ترجمه ای فردی بخشید. قدرت به خاطر سپاری اشیاء و تغییر وقایعی که فرد هیچ تصویر و خاطره بنیادی از آن ندارد، ویژگی انسانی است. افراد ذهن خود را معطوف علائم می کنند تا جائیکه فراتر از تجربیات انتزاعی رفته و روابطی مفهومی را در دنیای گسترده مکان و زمان خلق می کنند. دنیای زمان فراتر از محدوده اشیاء به خاطر سپرده می شد و دنیای مکان فراتر

سخن سردبیر

از محدوده مکانهای شناخته شده گسترش می یافت. نوشتن، ظرفیت اندیشیدن انتزاعی را گسترش داد که مدرکی بر پیشرفت زبان به شیوه شفاهی بود. اسامی به نسبت کاربرد فزاینده و تکامل اسناد کتبی گسترش بسیاری یافت (اینیس، ۱۹۷۲. ص ۱۰).

خاستگاه «حسابداری» به سال ۱۴۹۴ میلادی برمی گردد که لوکا پاچیولی برای اولین بار در کتاب «همه چیز راجع به حساب، هندسه و تناسب» نظام ثبت دوطرفه حسابها را تشریح کرد. همان نظامی که بازرگانان ونیزی عصر پاچیولی از آن برای ثبت و ضبط حسابهای خود استفاده می کردند. مهم ترین خروجی کار پاچیولی تراز آزمایشی بود، هرچند اغلب صاحب نظران بدعت پاچیولی را نقطه آغاز دانش حسابداری می دانند، هستند متخصصانی که به اسناد لوحهای به جا مانده از تمدنهای آشور، بابل و سومر، سابقه شکل گیری دانش حسابداری را به پیدایش اولین تمدن ها در بین النهرین به سالها قبل از میلاد مسیح گره می زنند.

درسال های اولیه این سه موضوع نقش کم رنگی در حوزه اقتصاد و مالیه داشته است. با تدوین قوانین و مقررات و ایجاد استانداردهای گزارشگری در سطح بین المللی و ملی آنها توانسته اند خود را به بالاترین سطح قوانین و مقررات حوزه محاسباتی در کشورها ارتقا دهند. آنها مانند زنجیره ی بهم تنیده بوده و هستند. اگر یک حلقه آن ضعیف شود و از آن جدا گردد این رشته بهم تنیده پاره شده و در چنین حالت سینرژی وهم افزایی لازم را نخواهد داشت.

همواره در کلاس ها بیش از ۳۰ سال بیان کردیم که حسابداری دارای دو مفهوم بدهکار و بستانکار کردن حساب ها است. در تمام شرایط اقتصادی نوشتیم و یادآور شدیم که بستانکاری حساب شما باید از بدهکاری حساب شما پیشی گیرد تا واحد تجاری بتواند به سودآوری برسد و بتواند

سخن سردبیر

برنامه های کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت خود را به سرانجام برساند. در این پیشی گرفتن ها مفهوم جدیدی حاصل می شود و آن "سود" است.

"سود" چه مفهوم آشنا برای همه ی عموم است. همه مشتاقانه برای رسیدن به آن تلاش می کنند. برای رسیدن به آن درآمدهای یک دوره مالی باید از هزینه های همان دوره پیشی گرفته تا بتواند بنگاه اقتصادی به سودآوری دست یابد. اگر به آن دست نیابد دچار زیان می گردد. زیان و استمرار زیان به منزله ی خارج شدن از حوزه ی فعالیت اقتصادی است، و ماندن در آن یعنی عدم استمرار فعالیت و موجبات نا رضایتی سهامداران و مالکان شرکت شده در چنین حالت آنها صف فروش در کارگزاریها را ایجاد و با فروش دارایی های مالی خود می خواهند خود را از ورشکستگی و بحران مالی نجات دهند و می خواهند در مرحله سقوط و افول فعالیت اقتصادی شرکت قرار نگیرند.

همواره سود مورد توجه جمع کثیری از پژوهشگران علوم مالی و حسابداری بوده است. مقاله ها و بحث های زیادی پیرامون سود وجود دارد. عده ای ساختار سرمایه را با سود آوری بررسی کردند. عده ای رابطه نقدینگی و میزان سود شرکت را مورد مطالعه قرار دادند. بعضی نیز کیفیت سود هر سهم را مورد توجه قرار داده و بر طبقه بندی جداگانه اقلام تشکیل دهنده آن تاکید داشتند و گروهی خواستار مشخص کردن بررسی عوامل تاثیر گذار بر سود آوری یک شرکت بوده و هستند.

مدت های مدیدی است که در حسابداری بخش عمومی به یک مفهوم و واژه بسیار مهم به نام "حساب مازاد" برخورد کرده بودم که این حساب از لحاظ ماهیت مانند "حساب سود و زیان" در بخش بازرگانی است. این حساب مهم در حوزه حسابداری بخش عمومی متأسفانه بیش از ۱۰۰ سال بجای داشتن مانده بستانکار دارای مانده بدهکار بوده است. اگر انصاف را در سرلوحه کارمان قرار دهیم

سخن سردبیر

حساب مذکور بیش از انگشتان دست دارای حساب بستانکاری و مازاد واقعی نبوده است. به عبارت دیگر در این دوران طولانی هزینه های دولت از درآمدهای دولت پیشی گرفته و این مفهوم را بدهکار خود کرده است.

در سال های اخیر (۱۳۸۸) به برکت ایجاد استانداردهای حسابداری بخش عمومی که با مشارکت وزارت امور اقتصادی و دارایی، دیوان محاسبات کشور؛ معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهور و سازمان حسابرسی تشکیل شد؛ بجای آن حساب قبلی از حساب "ارزش خالص" استفاده می شود. حساب مذکور از رابطه ارزش کل دارایی ها پس از کسر کل بدهی های واحد های گزارشگر حاصل می شود. "ارزش خالص" در حسابداری بخش عمومی جایگزین حساب سرمایه در حسابداری بخش انتفاعی شده است.

در استانداردهای بخش عمومی، ارزش خالص به طور مستقل تعریف نمی شود. از آنجایی که در بخش عمومی، مالکیت به صورت عمومی است، لذا حساب سرمایه وجود ندارد و به جای آن و برای توازن معادله حسابداری در بخش عمومی از ارزش خالص استفاده می شود. به عبارتی دیگر، معادله حسابداری در بخش عمومی به شرح ذیل است:

$$\text{دارایی ها} = \text{بدهی ها} + \text{ارزش خالص}$$

انتظارمان این است که با انجام صحیح کارها و وظایف دولت این حساب مانند حساب مازاد به خود بدهکار نشود و دارای مانده بستانکاری در سنوات آتی باشد.

جایگاه این سه رشته:

سخن سردبیر

در اکثر موارد گذشت زمان به تکمیل مبانی یا شیوه های حسابداری کمک نموده است. حسابداری در روزهای آغازین، ابزاری در زمینه اقتصادی بود که روابط اجتماعی میان افراد را در معاملات تجاری، روابط فردی و دولتی و مدیریت داخلی دولت در مورد تقسیم دارایی های عمومی را تعیین می نمود. حسابداری و اقتصاد بخشی از تمدن انسانی به شمار می روند و هیچ کس اندیشه جدا کردن حسابداری از زمینه های اجتماعی/سیاسی و محیطی/معنوی را در ذهن نمی پروراند. حسابداری به منظور برآورده کردن نیازهای در حال تغییر جامعه به مرور توسعه یافت. اما با افزایش مشاغل و مراکز آموزشی دولتی و افراد حرفه ای در مراحل تخصصی در سالهای اخیر، مشخص شده که حسابداری به تنهایی (به گونه ای ناخواسته) با پیامدهای اجتماعی همراه بوده است. بدین معنا که حسابداری خود، وقایع جامعه را رقم می زند (هینس ۱۹۸۸). از این رو حسابداری به عنوان یک پدیده اجتماعی مطرح است. این اسامی و بحث ها از سوی گروه جدیدی از نظریه پردازان مورد توجه بیشتری قرار گرفت. این نظریه پردازان با خط مشی غالب حسابداری که از مارکسیست، نظریه پردازان انتقادی و دورنمای ضدساختار گرایی سود می برد، به مبارزه پرداختند!

حوزه مالی که در یک دوره زمانی دستخوش تغییرات بنیادی شده است. بطوریکه از مفهوم سنتی به تفسیری مدرن از آن تغییر یافته است. روش سنتی که در سالهای بین ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تحول یافت و در دهه های ۱۹۴۰ و اوایل ۱۹۵۰ تفکر آکادمیک غالب به شمار رفت، به حداکثر رساندن سود و افزایش وجوه و سرمایه ها تاکید دارد. و هیچ اهمیتی به دیدگاه تصمیم گیرندگان امور مالی نمی دهد

۱- برای اطلاعات بیشتر به این منابع مراجعه کنید، تینکر و دیگران (۱۹۸۲)، کوپر و شرر (۱۹۸۴)، هوپر و پوول (۱۹۸۵)، چو (۱۹۸۶)، هینس (۱۹۸۶)، لمان (۱۹۸۶) و آرینگتون (۱۹۹۰).

سخن سردبیر

(دئولانکر) و بر رویدادهای منسجم و فرعی مانند ادغام ها، تلفیق و یکپارچگی و تجدید سازماندهی تاکید می کند و عملیات مالی روزانه شامل پیش بینی فروشها، بودجه بندی، نظارت مالی و کنترل هزینه و غیره را نادیده می گیرد.

در طول نیمه دهه ۱۹۵۰ روند رو به افزایش صنعتی شدن، نوآوری تکنولوژی، اختراعات و ابتکارات رقابت شدید و گسترده دخالت‌های دولتی، رشد جمعیت و عوامل دیگر، نیاز به بهره‌وری و کاربرد مؤثر از منابع شرکت را ضروری ساخت و تمرکز مالی از دیدگاه سرمایه‌گذار به طرف تصمیم‌گیرندگان امور مالی تغییر جهت داد. استفاده مدبرانه از وجوه و سرمایه‌ها در ارتباط با به حداکثر رساندن دارایی و ثروت سهامدار، بعنوان موضوع اصلی سیاست مالی تحت مفهوم مدرن از عملکرد مالی در نظر گرفته شد.

حوزه مالی خود را متعهد انجام تناسب منطقی ارزش سودهای جاری با هزینه‌های فعلی می کند. بطوریکه بتواند خالص ارزش فعلی یک دوره را افزایش دهد که بنوبه خود ارزش سهام بازار یک شرکت را افزایش خواهد داد.

بنابراین مالی و یا دانش مالی درچارچوب علم اقتصاد بررسی می شود. آن بخش مالی که دولتی نبوده و به بخش خصوصی برمی گردد درحوزه اقتصادخرد طبقه بندی می شود. و آن درچارچوب "نظریه بنگاه اقتصادی" می‌گنجد که به آن *theory of the firm* گفته می‌شود. که از دل اقتصاد کلاسیک بیرون آمده و به دنبال پیشینه کردن سود بنگاه می‌باشد.

۲- Deolanker (1996).

سخن سردبیر

به فرموده دکتر عبده تبریزی درکنگره سراسری حسابداری (۱۴۰۰) «مالی» برخلاف «حسابداری» ادعای تاریخی ندارد؛ پایه‌های امروزی آن در سال ۱۹۵۲ و با انتشار مقاله هری مارکویتز استوار است. رمزگشایی مارکویتز از ریسک، حامل پیامی ساده بود: «تمام تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد قرار نده.» مشهورترین مقاله مالی به سال ۱۹۵۸ فرانکو مودیلیانی و مرتون میلر برمی‌گردد که هزینه و ساختار سرمایه بنگاه‌ها را تشریح می‌کرد. در دهه ۱۹۶۰ میلادی متفکر دیگری از علوم مالی بنام یوجین فاما در مقاله تحت عنوان "کارایی بازار سرمایه" مشاهده دقیق و نظام مندی را از بازار سرمایه شروع کرد. تحقیقات او نشان داد که هر خبری از واحدهای گزارشگر به فوریت در بازار منعکس و اثر آن در قیمت سهم و اوراق قرضه واحدهای گزارشگر ظاهر می‌گردد. بنابراین فرضیه‌هایی بنا شد به نام "فرضیه بازار کارایی سرمایه" که شالوده همه‌ی تفکرات حسابداری را بر هم ریخت.

بحث در حوزه‌ی اقتصاد مالی بخش بزرگی از اقتصاد را پر کرده است و تحقیقات زیادی صرف این رشته شده است و بعد از پزشکی بیشترین حجم پژوهش‌ها به حوزه اقتصاد و مالی تعلق گرفته است. به عبارت دیگر نهادها و موسسات مالی جریان نقدی دارند و می‌توانند هزینه‌های پژوهشی این رشته را پردازند. درکشورمان هر جا صحبت از مالی می‌کنیم بحث حسابداری هم پیش می‌آید. اما «حسابداری» به طور عام رشته علمی دانشگاهی و به طور خاص بخشی از علم "اطلاعات" تلقی می‌شود. بنابراین درحوزه حسابداری درچارچوب علم دیگری هستیم که بهتر است آن را علم اطلاعات بخوانیم. به عبارت دیگر حسابداری روی اطلاعات خاص کار می‌کند که داده‌های مالی نام دارد. این داده‌ها براساس عدد و رقم ریالی درکشور بیان می‌شود. حسابداران تلاش می‌کنند این داده‌های خام را گرفته و به کیفیتی درآورند که در تصمیم‌گیری ما را یاری برساند.

سخن سردبیر

به عبارت دیگر حسابداری علم یافتن است که داده های مالی را گردآوری و پردازش می کند و به اطلاعات قابل استفاده مدیریت تبدیل می کند. وقتی این داده ها در قالب مشخص ریخته می شود و طبقه بندی مشخص پیدا می کند آن موقع با مطالعه صورت های مالی می توان نتایجی برای تصمیم گیری اخذ کرد.

بنابراین در حسابداری مالی در چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم گیری قرار گرفته ایم. در این چارچوب هدف حسابداری فراهم ساختن اطلاعاتی مفید برای تصمیم های اقتصادی است. اطلاعات بیشتر مشروط بر اینکه مقرون به صرفه باشد، مطلوب تراست و اطلاعات محرمانه نیز در صورت مفید بودن، مطلوب است.

دروود براستاد نام آشنای حسابداری جناب پروفیسوریوجی ایجیری که درسخرانی خود در دانشگاه هاروارد اعلام کرد چارچوب نظری حسابداری می تواند علاوه بر مبنای تصمیم گیری بر مبنای پاسخگویی هم تدوین شود. او معتقد بود که در تصمیم گیری، قدرت حسابداری فراهم ساختن اطلاعات مفید برای تصمیم گیری های اقتصادی است. ولی در چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی^۳ هدف حسابداری ایجاد یک سیستم مناسب جریان اطلاعات بین پاسخگو و پاسخ خواه یا صاحبان حق است و این چارچوب بر پایه ی ارتباط دوطرفه بنا شده است. بنابراین پاسخ خواه حق دارد بداند همان طور که پاسخگو حق دارد در افشای اطلاعات حریمی قانونی برای خود قائل شود. اغلب چارچوب های نظری حسابداری بر مبنای تصمیم گیری، یک سویه و به سوی استفاده کنندگان تدوین یافته است. در حالی که چارچوب نظری مبتنی بر پاسخگویی دو طرفه بوده و منافع هر دو طرف را تضمین می کند. واقعیت حسابداری نگهداری دفاتر برای استفاده شخصی نمی

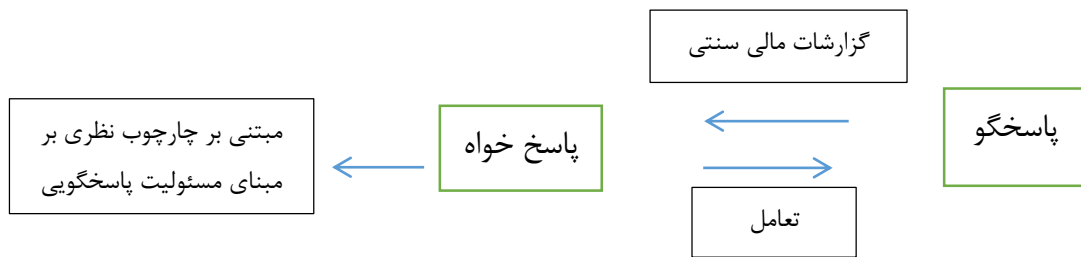
³ Yuji Ijiri

⁴ Accountability-based conceptual framework

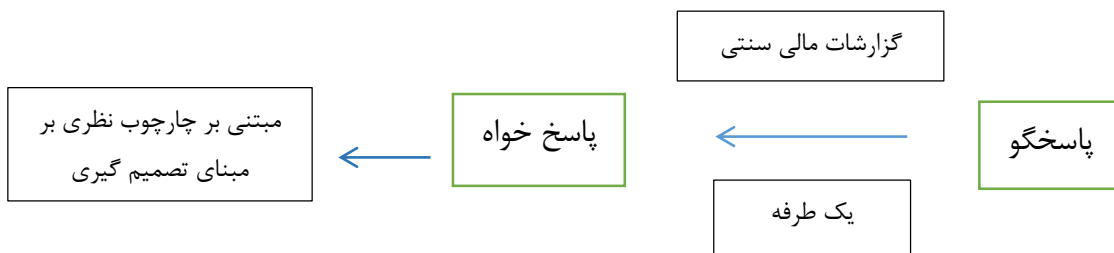
سخن سردبیر

باشد، به عبارت دیگر حسابداری درحقیقت نگهداری دفاتر برای دیگران است. بنابراین در چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی سیستم حسابداری و جریان صحیح و منصفانه اطلاعات بین پاسخگو و پاسخ خواه که منافع هر دو طرف را تامین نماید در درجه اول اهمیت قرار دارد.

در این چارچوب سودمندی، به جای سودمندی اطلاعات حسابداری بر سودمندی سیستم حسابداری تاکید دارد. و - دو سویه است، بر تامین حقوق پاسخ خواه و حفظ حریم پاسخگو تاکید دارد.



ولی چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم گیری، که بر تصمیم گیرندگان تاکید دارد و یک سویه و بر علائق استفاده کنندگان تاکید دارد. این چارچوب فراهم ساختن اطلاعات مفید برای تصمیم های اقتصادی است و هرچه اطلاعات بیشتر باشد بهتر است (حتی اطلاعات خاص و محرمانه).



سخن سردبیر

حسابرس در فرایند تبدیل داده های مالی یعنی همان داده های ریالی به اطلاعات معنادار و مفید به حسابدار کمک می کند. در واقع کار اصلی حسابرس آن است که به حسابداران کمک می کنند تا کیفیت اطلاعات مالی را ارتقاء دهند. حسابداران و حسابرسان کار خود را به اتکای قوانین و مقررات و اصول استانداردهای پذیرفته شده حسابداری و حسابرسی انجام می دهند.

مرز حسابداری و حسابرسی و امور مالی:

مالی روی ارزش جاری بازار کار می کند و حسابداری روی ارقام تاریخی. یکی از حوزه هایی که این دو را جدا می کند در تعریف سرمایه است. حسابداری، سرمایه را آورده سهامداران و یا مالکان شرکت می داند و کیفیت ادعای سهامداران را روی دارایی ها از وام دهندگان متمایز می کند. اما اقتصاددانان معتقدند که هرکس که نسبت به دارایی ها درترازنامه ادعا دارد و آورنده منابع به شرکت است، سرمایه گذارتلقی می شود و با دیگران تفاوت ندارد. برای اقتصاددانان کلمه **equity** معنی عام آورنده منابع مالی را دارد چه به عنوان آورنده پول و یا دریافت تسهیلات و یا سایر باشد. مالی در این میان هر دو نگاه را به موضوع دارد. گاهی از دید سهامدار به موضوع نگاه می کند و می پرسد این سهام یا این اوراق بدهی چقدر بازده دارد؟ گاهی هم به همه کسانی که پول آورده اند نگاه می کند و می پرسد بازده کل سرمایه گذاری چقدر است؟

وقتی که بازده سرمایه گذاری شرکت را محاسبه می کنیم یعنی بازده برای همه کسانی که پول آورده اند یعنی بازده تمام دارایی ها را در نظر می گیریم و مثل اقتصاددانان به آن نگاه کرده ایم. ولی وقتی به بازده حقوق صاحبان سهام توجه داریم مثل حسابداران به مسئله نگاه کرده ایم. از نظر سرمایه گذاری هم دیدگاه حسابداری با مالی فرق می کند. در حسابداری عنوان سرمایه گذاریها به دارایی

سخن سردبیر

هایی اشاره دارد که طبق استانداردهای حسابداری دارایی تلقی می شوند در حالی که در اقتصاد بیشتر تمرکز روی دارای هایی مولدی است که در آینده جریان نقدی ایجاد می کنند.

بنابراین در تعریف اقتصادی، سرمایه گذاری به معنی بکارگیری وجوه جهت راه اندازی و یا توسعه کسب و کارها است. مالی سرمایه گذاری را شامل هر دو گروه می داند و خرید و نگهداری دارایی مالی را هم سرمایه گذاری تلقی می کند.

از این رو دانش مالی را دانشی تعریف کرد که استفاده گسترده از داده های حسابداری را بکار می گیرد. از دانش اقتصاد بهره می گیرد، تا یکی از مهم ترین وظایف خود را که محاسبه ارزش روز دارایی ها است را انجام دهد. بنابراین رسالت مالی استفاده کارآمد از وجوه در داخل شرکت است.

ولی حسابدار به فکر وضع هزینه های هر دوره از درآمدهای آن دوره است که باید رعایت شود. گزارش مالیات به موقع تهیه شود، سیستم موجودی کالا درست کار کند، دارایی ها به شکل صحیح نگهداری شود و حقوق پرسنل با دقت محاسبه و نگاهداری شود. بنابراین حسابداری به دنبال پردازش داد های خام مالی است.

بنابراین کار حسابداری با متخصص مالی که نگران قیمت سهام شرکت است و می خواهد بین ریسک و بازده تعادل لازم را فراهم آورد و یا به دنبال تامین پول است که هزینه سرمایه شرکت را کاهش دهد و بحران نقدینگی شرکت را صحیح مدیریت کند و صحت سرمایه گذاری چند هزار میلیاردی را بر روی پروژه ها تصمیم بگیرد و از قیمت ذاتی سهام شرکت دفاع کند و سبد سرمایه گذاری مناسب در بازار پول برای مدیریت نقدینگی شرکت تدارک ببیند. بنابراین با دو آدم متفاوت و دو طرز فکر متفاوت روبرو هستیم. هر قدر «حسابدار» علاقه مند به «ارزش دفتری» است، «مالی» به

سخن سردبیر

«ارزش بازار» علاقه‌مند است. چنین است که می‌بینیم رابطه «حسابداری» و «مالی» صرفاً رابطه دو علم مستقل است.

در نبود اطلاعات تولیدی حسابداران، تصمیم‌گیری بدون اطلاعات با دستکاری در نظام قیمت‌ها در بازارهای مالی همراه می‌شود، و شفافیت حداقلی موجود را هم از بین می‌برد و باعث می‌شود تخصیص منابع در اقتصاد حتی به شکل نادرست‌تری انجام شود و توسعه با هدف اشتغال و سرمایه‌گذاری حتی در سطح نازل جاری هم به‌وقوع نپیوندد.

جایگاه اخلاق در حسابداری و حسابرسی و امور مالی:

نقش محوری و مشترک این سه حوزه علمی اخلاق است. در عصر جهانی سازی کنونی یعنی عصر سیطره غرب بر بخش عمده ای از دنیا بحث در حوزه حسابداری در حیطه اخلاق کمی مشکل است. در اسلام انسان امانت دار است و پاسخگو مسلمان در برابر خداوند بلند مرتبه است. یک مسلمان باید پایبند به سود معقول و انصاف و عدالت و منافع جمعی را در سر لوحه کار خود قرار دهد. ولی همین انسان در غرب به این صورت دیده می‌شود که او مالک نهایی شناخته می‌شود. پاسخگویی او در برابر قوانین و مقررات جاری و بدنبال حداکثر سازی سود و فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی است که زیر بنای حرکت اقتصادی آنهاست و آنها بعضی از معاملات را که در اسلام جایز نیست مانند ربا و قمار و خرید و فروش مشروبات الکلی و جایز می‌شمارند.

اگر حسابداری را فرایند منظم ثبت معاملات مشروع در دفاتر و اندازه‌گیری نتایج مالی بر مبنای این معاملات به منظور استفاده در تصمیم‌گیری بدانیم بنابراین اخلاق و معاملات شرعی اساس کار اوست. اصول اخلاقی باید در رفتار حرفه ای یک حسابرس نهادینه شده باشد. موسسات

سخن سردبیر

حسابرسی باید دارای خط مشی هایی باشند که به الزامات اخلاقی پرداخته و به رعایت این موارد توسط هر حسابرس تاکید ورزد. حسابرسان باید استقلال خود را به گونه ای حفظ نمایند که گزارش های آنها بی طرفانه تهیه شده باشد و استفاده کنندگان نیز همین دیدگاه را نسبت به آن داشته باشند. حسابرسان باید از طریق بکارگیری تردید حرفه ای، قضاوت حرفه ای و دقت و مراقبت مقتضی در طول حسابرسی، رفتار حرفه ای مناسب را داشته باشند. حسابرس باید حسابرسی های خود را به شیوه ای دقیق و با پشتکار فراوان برنامه ریزی نموده و انجام دهد. حسابرسان باید از انجام هر عملی که باعث از دست رفتن اعتبار کاری آنها شود، خودداری نمایند.

نتیجه اینکه خدمات مالی و حسابداری باید در بالاترین سطح ممکن و با رعایت ضوابط و اخلاق حرفه ای صورت پذیرد. بعبارت دیگر حرفه حسابداری باید اصول اخلاقی را محور و سر لوحه کار خود قرار دهد. اصول زیر که در هر سه حوزه با تفاوت های جزئی مشترک است شامل:

درستکاری و بی طرفی، داشتن صلاحیت و مراقبتهای حرفه ای، رازداری، پاسخگویی و تمرکز بر رایه شفافیت در گزارشها و... است. مثلا شفافیت ابزار قدرتمندی است که تداوم استفاده از آن می تواند در مبارزه با فساد کمک کند، مدیریت را بهبود بخشد و ارتقای پاسخگویی را موجب گردد. در مقابل مدیران شرکتها و بنگاههای اقتصادی هم باید طوری عمل کنند که میراث درستکاری و صداقت را برای نسل آینده حسابداری حفظ نمایند.

از اینرو استخراج و انتشار اطلاعات مالی و حسابداری به موقع و صحیح به همراه افزایش کیفیت و شفافیت یکی از چالشهای اساسی پیش روی مدیران و فعالان کسب و کار محسوب می شود. اطلاعات و گزارشات صادره توسط سیستم حسابداری می تواند آثار رفتاری را برای واحدهای گزارشگر به ارمغان آورد و در تصمیم گیریهای آنها موثر باشد. بنابراین جای دارد که در هر سه حوزه

سخن سردبیر

حسابداری و حسابرسی و مالی درس های جدیدی با محوریت اخلاق حرفه ای و مسولیت پذیری عمومی و پاسخگویی فردی و سازمانی ارائه گردد.

در پایان اینکه توسعه کشور بدون ارائه گسترده خدمات حسابداری و مالی و حسابرسی ممکن نیست؛ توسعه، متضمن کنترل و نظارت است و جامعه حسابداری و حسابرسی کشور، در اعمال چنین نظارت هایی و در تولید اطلاعات لازم برای توسعه اقتصادی ایران نقش بالایی دارند.

در پایان لازم می دانم از پیشگامان و اساتید و صاحب نظران حرفه حسابداری و حسابرسی و مالی که تعداد آنها زیاد است و تعدادی را بر می شمارم درود بفرستم:

دکتر فضل... اکبری - دکتر حسن سجادی نیا - دکتر عزیز نبوی - دکتر رضا شباهنگ - دکتر حسین عبده تبریزی - دکتر علی ثقفی - دکتر فرزین ملک ارایی - دکتر احمد احمد پور - دکتر مهدی تقوی - دکتر رضا نظری - دکتر محمد نمازی - دکتر جعفر بابا جانی - دکتر فریدون رهنمای رود پستی - دکتر هاشم نیکومرام - دکتر سید مجید شریعت پناهی و دکتر حمید رضا و کیلی فرد و ... که اینجانب با بعضی از آنها هم دوره بوده و از تعدادی از آنها درس اموخته ام یاد نمایم.

به فرموده شاعر بزرگوار سعدی: به پایان آمد این دفتر؛ حکایت همچنان باقیست

Innis, H., Empire and Communication, Toronto, 1972.

Littleton, AC., Accounting Evolution to 1900, New York: American Institute Publishing Company, 1933.

Foucault, M., Discipline and Punish, Harmondsworth: Alien Lane/Penguin, 1977.

سخن سردبیر

Ijiri, Y., Theory of Measurement of Income, Studies in Accounting Research No.10, American Accounting Association

Hines R. (1988), "Financial Accounting: In communicating reality, we construct reality." Accounting, Organisations and Society, Vol 13, No.3, p251-261,1983.